

بسم الله الرحمن الرحيم

شعائر حسینی در امتداد سیره علوی

از بیانات مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی
حاج سید صادق حسینی شیرازی مد ظله العالی

شعائر حسینی در امتداد سیره علوی

از بیانات مرجع عالیقدر

حضرت آیت الله العظمی حاج سید صادق حسینی شیرازی مد ظله العالی

❖ به اهتمام: مؤسسه فرهنگی - مذهبی رسول اکرم صلی الله علیه و آله - کربلای معلی

مؤسسه فرهنگی - خیریه ام ابیها علیها السلام

❖ چاپ: اول / محرم الحرام ۱۳۹۸

❖ تیراژ: ۱۰۰۰۰

نمایشگاه دائمی: قم، خیابان ارم، مقابل حرم مطهر، گذر خان، جنب مسجد امام رضا علیه السلام، پلاک ۲۴۰
تلفن: +۹۸۲۵۳۷۷۴۲۵۹۹ - تلفن: +۹۸۲۵۳۷۷۰۰۳۶۸ - نمابر: +۹۸۲۵۳۷۸۳۷۹۱۰
پست الکترونیک: info@shirazi.ir - پایگاه اینترنتی: <http://www.shirazi.ir>
Shirazi.ir Shirazi_ir Shirazi_ir +۹۸۳۰۰۰۵۷۰۳



قدوم شریفشان دامنه اندوه و رنج و زحمت و غصه را از جامعه برچینند و آرامش و امنیت را برای جامعه بشری به ارمغان آورند.

آموزه‌های از زیارت امام حسین علیه السلام

در یکی از زیارت‌های حضرت سیدالشهدا علیه السلام آمده است: «والسبیل الذی لا یختلج دونک؛ و خواستار راهی هستم که در آن تردید نداشته باشم و با تو همراه باشد».

زیارت‌های مقدسه امام حسین علیه السلام بسیار است. مرحوم شیخ عباس قمی قدس سره هفت زیارت را از آن حضرت در *مفاتیح الجنان* آورده است که بند پیش‌گفته در اولین آن زیارت‌هاست. مرحوم اخوی (مرجع راحل حضرت آیت الله العظمی سید محمد حسینی شیرازی قدس سره) نیز در کتاب شریف «الدعاء والزیارة» نوزده زیارت مطلقه برای آن امام همام برشمرده و نقل کرده است که بند فوق در زیارت دوم از این مجموعه زیارات آمده است.

مرحوم شیخ صدوق در کتاب «من لا یحضره الفقیه» خود این زیارت را آورده و بیان داشته است: «از آن جهت تنها این زیارت را در کتاب خود آورده‌ام که از لحاظ سند و روایت، نسبت به

ماه اندوه و هدایت^۱

یکبار دیگر ماه محرم الحرام و صفر الأحزان، ماه اندوه و رنج اهل بیت علیهم السلام و مؤمنان و دوستان این خاندان پاک از راه می‌رسد تا جامه عزای بر اندام هستی بپوشاند و چشمان خاکیان و افلاکیان را خون فشان سوگ سرور آزادگان، حضرت ابا عبدالله الحسین و فرزندان و یاران و خاندان آن حضرت کند. این مصیبت بزرگ و جانسوز را به مقام رفیع امامت و عصمت، حضرت مهدی موعود امام زمان علیه السلام و به همه مسلمانان جهان تسلیت و تعزیت عرض می‌نمایم.

دنیا را ظلم گرفته است و مسلمانان و مستضعفان، به‌ویژه شیعیان و مردان و زنان با ایمان تحت گونه‌های ستم قرار دارند. لذا از همگان درخواست دارم ضمن ادای تکلیف، دست نیاز به درگاه خدا فراز کنند و قامت خضوع و تضرع و بندگی در پیشگاه حضرتش خم کنند و ظهور آقا را از او بخواهند تا با

۱. بیانات مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی علیه السلام در گردهمایی بزرگ مبلغان در آستانه ماه محرم الحرام ۱۴۳۹ هـ.ق.

سایر زیارت‌ها صحیح‌تر است و همین بین من و خدای من برای نقل آن حجت است».

عنایتِ راهیافتگی

این زیارت را که از امام صادق علیه السلام روایت و نقل شده است چند تن از اصحاب آن حضرت که در محضر ایشان بوده‌اند نقل کرده‌اند. سفارش من به همه کسان دارای اهلیت این است که یک‌بار هم شده باشد این زیارت را با دقت و تأمل بخوانند و به معنای آن توجه کنند. علمای بزرگ شیعه بخش‌هایی از این زیارت را برگزیده و درباره آن مطالبی نوشته‌اند. توجه داشته باشیم که مطالبی از حضرات معصومین علیهم السلام در این زیارت آمده است که منحصر به فرد و خاص امام حسین علیه السلام است و مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی، و همین‌طور شیخ صدوق و شیخ طوسی و دیگران نیز آن را نقل کرده‌اند. سزاوار است انسان این زیارت را با دقت و توجه بخواند.

یک جمله این زیارت این‌گونه است که می‌فرماید: «والسبیل الذی لا یختلج دونک»؛ و خواستار راهی هستم که در آن تردید نداشته باشم و با تو همراه باشد».

در این باب علمای بزرگ شیعه مطالبی دارند که در صدد پرداختن به آن نیستم، ولی به جهت توجه دادن به کسانی که از معنای این عبارت اطلاع ندارند، معنای تحت اللفظی آن را بیان می‌نمایم. در این زیارت، امام معصوم علیه السلام خطاب به امام حسین علیه السلام فرموده‌اند: «والسبیل الذی لا یختلج دونک».

لفظ یختلج به معنای بی‌قراری، اضطراب و یک گام به جلو رفتن و یک گام به عقب کشیدن است. در این عبارت از خدای متعال خواسته می‌شود که: بارخدایا! راهی و مسیری برای من مقرر و معین فرما که در رسیدن به امام حسین علیه السلام یاری‌مان کند. درباره «دونک» بعضی از علما برآنند که مراد، قبل از فرا رسیدن مرگ است؛ چراکه شیعیان قبل از مرگ، امامان معصوم علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام را می‌بینند.

پدر علامه مجلسی و برخی دیگر از علمای بزرگ گفته‌اند که مراد انجام وظیفه‌ای است که در این دنیا بر عهده من گذاشته شده است تا در آن دچار اضطراب و بی‌ثباتی و تردید نشوم، گاهی جلوتر بروم و گاهی عقب‌نمانم و دستخوش گفتارهای متفاوت در این باره نشوم.

حضرت سیدالشهدا علیه السلام میزان اعمال

قبل از واقعه عاشورا نیز این مسائل و رویکردها بوده است، به این معنا که عده‌ای به وسیله امام حسین علیه السلام بهشتی شده و به بهشت می‌رفتند و عده‌ای هم به علت عمل نکردن به وظایف، عمدی یا به جهت جهل تقصیری دوزخی و به وسیله مخالفت و ضدیت با آن حضرت جهنمی می‌شدند. بعدها و در زمان غیبت صغری نیز همین وضعیت بوده است. در کتاب بحارالانوار و دیگر منابع آمده است در دوره غیبت صغری درباره شخص امام حسین علیه السلام اضطراب و نااستواری عجیبی وجود داشت که مطالب و قصه‌هایی از آن دوران نقل شده است و از ناحیه مقدسه نیز توقیعاتی در این زمینه وارد شده است. این وضعیت نابسامان و پر اضطراب تا به امروز ادامه دارد؛ لذا در این بخش از زیارت آن حضرت می‌خواهیم که عنایت فرموده و ما را استوار سازد و از تزلزل و نااستواری در این راه - که به توفیق الهی از آن برخورداریم - دور سازد و هرگز دچار شک و تردید نشویم.

ویژگی امام حسین علیه السلام

بارها عرض شده است و مجدداً عرض می‌کنم که چهار نفر از امام حسین علیه السلام برتر هستند: جدشان رسول خدا صلی الله علیه و آله، پدر بزرگوارشان حضرت علی علیه السلام، مادر بزرگوارشان حضرت فاطمه علیه السلام و برادر بزرگوارشان امام حسن مجتبی علیه السلام، اما با تأمل و درنگ در احادیث قدسی خدای عزوجل، روایات حضرات معصومین علیهم السلام و تاریخ، آنچه درباره امام حسین علیه السلام ذکر شده در مورد هیچ کس نیامده است؛ از این جمله همین بخش از زیارت است که درباره رسول خدا، امیرمؤمنان، حضرت فاطمه و امام حسن مجتبی علیهم السلام هم نیامده است.

خدای متعال همه‌گونه امتحان دارد و آزمون بزرگ حضرتش، برای همه بشر ماجرای امام حسین علیه السلام و شهادت اوست. آنچه در احادیث قدسی خدای متعال آمده است غالباً به شهادت ایشان مرتبط است و در باب ولادت، زندگی، مقام و آخرت آن حضرت نسبت به شهادت ایشان بسیار اندک و ناچیز است؛ زیرا شهادت آن حضرت یک آزمون سخت و بزرگ بوده و هست و خواهد بود.

یک نکته ادبی و ظریف در این بخش از زیارت حضرت وجود دارد که علما برای مشخص کردن آن وقت صرف کرده‌اند و آن این است که واژه «والسبیل» به فتح «ل» و به کسر آن خوانده می‌شود و درباره اینکه به کدام جمله قبلی عطف می‌شود مطالبی ایراد داشته‌اند و در خصوص اینکه مراد امام صادق علیه السلام از بیان این مطلب چه بوده است بیاناتی فرموده‌اند.

از آن جمله است: «از اضطراب و تزلزلی که در راه امام حسین علیه السلام برای بسیاری از مردم به وجود می‌آید، در امان بمانم». این، مراد امام صادق علیه السلام از این بیان است.

فرصت پیش رو

معرفی اسلام و بیان واجبات، محرمات، مستحبات، مکروهات، مباحات و تمام احکام آن در هر مکان و تحت هر شرایطی وظیفه است، ولی ماه محرم و ماه صفر ویژگی خاص دارد؛ زیرا فضا و موقعیت مناسب‌تری است برای دو امر و چندی دیگر این فرصت سپری می‌شود. حال بعد از به پایان رسیدن فرصت و موسم آن باید افراد، خود را مورد بررسی بگذارند که چه کار

کرده‌اند و از این فرصت چه بهره‌هایی برده‌اند؟ یکی از بایسته‌های این فرصت آن است که وظیفه خود را بشناسند و آن این است که گرفتار تزلزل و سردرگمی نشوند.

دیگر اینکه باید دو مطلب دیگر مورد توجه قرار گیرد: یکی اینکه چرا امام حسین علیه السلام شهید شدند و «ان شاء الله أن یراک قتیلاً؛ خدا اراده فرموده است تو را کشته ببیند» از چه روست؟

حکمت و فلسفه شهادت امام حسین علیه السلام در این سخن حضرت (که زبان حال حضرتش است) ظهور پیدا کرد که فرمودند: «ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی فیا سیوف خذینی؛ اگر دین محمد جز با کشته شدنم قوام و پایایی نمی‌یابد، پس ای شمشیرها! مرا فراگیرید».

هدف امام حسین علیه السلام از شهادت، حاکم گرداندن احکام دین اسلام بود، اما آیا این بایسته تحقق یافته است؟ در کجا و چه مقدار؟ چند تن از مراجع متوفی و موجود تشریف آورده بودند. یکی از کتب قوانین کیفری یکی از کشورهای اسلامی را در دیدارهای مختلف به ایشان نشان دادم. این کتاب در هزار نسخه چاپ شده

بود. از آنان خواستم که مقدمه کتاب را مطالعه کنند. در مقدمه کتاب آمده بود که قوانین تدوین شده در این کتاب را از قوانین کیفری فلان کشور غربی گرد آورده‌ایم.

یکی از آن بزرگواران به من فرمودند: مشکل در همین حد است؟ کدام قانون ما درست است؟ آن گاه فرمودند که من فلان طرح را عملی کردم.

به ایشان گفتم: سعی تان مشکور، اما شما در همین اندازه توان داشتید یا بیشتر؟ و پاسخی نشنیدم.

آن گاه فرمودند: امروز همان روزی است که درباره آن آمده است: «لا یبقی من الإسلام الا اسمه؛ از اسلام جز نامی باقی نمی ماند».

این مسئولیت بر عهده سیدالشهدا علیه السلام بود تا اسلام را پایداری و ماندگاری بخشد؛ لذا خدای مهربان او را شهید می خواست.

خود آن حضرت هدف از قیام خود را تبیین کرده و فرمودند: «وأسیر بسیرة جدی وأبی علی بن ابی طالب؛ تا به سیره جدم و پدرم علی بن ابی طالب عمل کنم».

امام حسین علیه السلام از آن رو از دنبال کردن سیره جد و پدر خود

سخن گفتند که در آن روزگار معاویه بر جان و مال و هستی مردم مسلط شده بود و در جنایت از هیچ کاری فروگذار نمی کرد و به دیگر بیان یک داعشی تمام عیار بود. معاویه در مدت بیست سال حکومت خود، طی چند روز سی هزار نفر را کشت و سوزاند، آن هم بی هیچ جرم و جنایتی، بلکه تنها به این علت که مخالف او بودند و از سیاست های او نارضایتی داشتند آنان را به کام مرگ فرستاد. روشن باشد که این قربانیان شورش نبودند و بر ضد معاویه قیام نکرده بودند، بلکه تنها و تنها معارضان سیاسی بودند. یک مخالف سیاسی، افزون بر خودش، فرزندان و خویشاوندانش نیز کشته می شدند.

امام حسین علیه السلام با مقام عصمتی که داشتند آینده را می دیدند و برای سامان دادن به نابسامانی های جامعه اسلام و مسلمانان قیام کردند.

در مقابل حکومت امیرمؤمنان علیه السلام قرار دارد که در تمام قلمرو حکومتی ایشان حتی یک کشته سیاسی وجود نداشت؛ لذا امام حسین علیه السلام دنبال کردن سیره حکومتی ایشان را مطرح کردند تا بر تمام جامعه بشری همه روزگاران اتمام حجت کرده باشند.

استمرار مسئولیت‌ها

در این موسم از سال، یعنی ماه محرم و ماه صفر جدای از علمای بزرگوار و فضلا و حوزه‌ها، دیگر قشرها نیز مسئولیت ابلاغ رسالت و اهداف امام حسین (ع) را بر عهده دارند، بی تفاوت که طلبه، دانشجو، فرهیخته، استاد، اهل مطالعه و اهل قلم باشند و حتی توده مردم در این زمینه مسئولیت تبلیغ دارند. این امور، واجبات کفایی است که همگی نسبت به آن و در حدّ توان خود وظیفه دارند و در این مسیر باید مقدمات وجود واجب را که مطلق واجب است فراهم کنند و آن گونه که باید در این راه بکوشد.

یکی از علما از کشوری مسلمان با ملت مسلمان در همین ماه ذی الحجه نزد من آمد. او می گفت: پسر مرا فقط به علت اعتراض سیاسی به دولت و بدون هیچ جرم و جنایتی دیگر دستگیر کردند و به ۱۲۰ سال زندان محکوم کردند.

به راستی این اقدام چه مفهومی دارد؟ دریغا که این روش تنها مختص این کشور اسلامی نیست و سایر کشورهای همانند نیز به

گونه‌ای دیگر عمل می کنند که رفتارشان با روح اسلام محمدی و علوی و سیره آن پاکان کاملاً در تضاد و تناقض است.

این ماه محرم و ماه صفر فرصت و موقعیت مناسبی است برای تبلیغ اسلام پیامبر (ص) و اسلام امیرمؤمنان علی (ع)، که امام حسین (ع) آن را در دستور کار قرار داده بودند. این که امام حسین (ع) بر رفتار به سیره جدشان رسول خدا (ص) و امیرمؤمنان (ع) تأکید داشتند ممکن است به این جهت بوده که شاید یک وقتی تشکیک و شبهه افکنی کنند که مراد ایشان از علی، کسی غیر از امیرمؤمنان (ع) بوده است؛ لذا نام مبارک ایشان را همراه با عنوان «پدرم» ذکر کردند.

این حقیقت جالب را باید به همه جهانیان رساند و روشن باشد که متأسفانه بسیاری از مسلمانان و حتی جوانان مسلمان در سراسر جهان نیز از آن بی اطلاع هستند.

در این جا بیان یک نمونه تاریخی را لازم می دانم که شیخ صدوق (ع) و بعد از ایشان دیگران نیز نقل کرده اند؛ البته برخی از این دیگران مغرض بودند و شماری هم شاید متوجه نبودند و به

این دلیل‌ها نکته حساس این مقطع تاریخی زندگی امیرمؤمنان علیه السلام را حذف کرده‌اند. این مطلب چند سطری یک دنیا عدالت، سیاست و فضیلت را به نمایش گذاشته است که در تاریخ نمونه آن را نمی‌توان یافت.

ماجرا از این قرار است که در روزگار حکومت امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام، معاویه بن ابی سفیان بخشی از گستره حکومتی آن حضرت را جدا و بر آن فرمانروایی کرد، که شام نام داشت.

شایان توجه است که دامنه حکومت امیرمؤمنان علیه السلام بسیار گسترده بود و تا قلب افریقا و قلب اروپا را دربر می‌گرفت و به حسب تقسیمات جغرافیایی امروز ده‌ها کشور را شامل می‌شد و فقط شام در دست معاویه قرار داشت که حدود یک درصد کل سرزمین‌های تحت حاکمیت امیرمؤمنان علیه السلام را دربر می‌گرفت.

معاویه طی نامه‌ای به ابوموسی اشعری از او خواست که در مورد مسأله‌ای که پیش آمده است، نزد علی بن ابی طالب علیه السلام برود و جوابش را از او بگیرد؛ چراکه قاضیان شام پاسخ آن را نمی‌دانند. مسأله این بود که «إِنْ رَجُلًا وَجَدَ رَجُلًا عَلَى زَوْجَتِهِ»

مردی مرد دیگری را با همسر خود دید» تکلیف چیست؟

امام علیه السلام فرمودند: «إِنْ هَذَا لَيْسَ بِأَرْضِنَا؛ چنین چیزی در سرزمین (حکومت) من نیست، (کجا رخ داده است؟)».

ابو موسی اشعری گفت: معاویه از شام به من نامه نوشت و از من خواست این مسأله را از شما بپرسم.

امام علیه السلام به صراحت اعلام کردند که چنین پدیده شومی در کل گستره تحت حکومتشان وجود ندارد. حال ببینیم یک کشور اسلامی وجود دارد که این پدیده دهشتناک در آن رخ ندهد؟! کشورهای غیر اسلامی که جای خود دارد.

متأسفانه بدخواهان و غرض ورزان، جمله «إِنْ هَذَا لَيْسَ بِأَرْضِنَا» را از این قصه حذف کرده‌اند.

اگر کسی و حاکمی از نوع عامه مردم چنین ادعایی بکند، گفته‌اش را نتیجه بی‌اطلاعی می‌دانیم، اما امیرمؤمنان علی علیه السلام چنین فرموده‌اند و در منابع حدیثی و تاریخی این مطلب روایت شده است. به راستی ایشان چگونه حکمرانی را اداره می‌کردند که چنین پدیده زشت و نکوهیده‌ای در سرزمین‌شان به

گسترده‌گی خاورمیانه تا عمق افریقا و عمق اروپا رخ نمی‌داد؟! این رفتار زشت زمانی صورت می‌گیرد که فرد نیاز داشته باشد، در عین حال امیرمؤمنان علیه السلام به گونه‌ای حکومت کردند که حتی یک مورد از این قبیل در حکومتشان رخ نداد، تمام نیازها تأمین بود و همگان خانه، کار و درآمد داشتند و اگر فقری وجود می‌داشت نیازش برطرف می‌شد.

ما وظیفه داریم و بایسته و شایسته است که این سبک حکومتی و مدیریتی را به جهان معرفی کنیم و اعلام بداریم که می‌خواهیم جهان از این گرفتاری‌ها، نابسامانی‌ها، فساد و ظلم‌رهایی یابد. البته راه رسیدن به این مرحله هموار و آسان است؛ به این معنا که ببینیم امیرمؤمنان علیه السلام آن گستره بزرگ و پر دامنه را چگونه اداره می‌کردند که به طور قاطع فرمودند: «ان هذا لیس بأرضنا؛ این، در سرزمین ما رخ نداده است».

مسلم این است که امام علی علیه السلام دست پرورده مکتب ناب رسول الله صلی الله علیه و آله بوده و آموزه‌ها و رهنمودهای آن بزرگوار را که ریشه در قرآن کریم دارد به مرحله عمل درآورده بودند.

نقص در قانون

حدود ده سال قبل که قانون اساسی عراق تازه تهیه شده بود، چندین گروه چند بار آن را نزد من آوردند تا درباره آن نظر بدهم. مطالبی بیان داشتم از جمله گفتم: عراق کشور اسلامی یا غیر اسلامی است؟ ملت آن که مسلمان هستند و به عنوان یک کشور اسلامی معروف است. با این حال سراسر این قانون را بررسی کردم، ولی چیزی درباره «لا ضرر» و «لا حرج» در آن نیافتم، چرا چنین بی‌توجهی و غفلتی شده است؟ امری که در قرآن کریم آمده است، آن‌جا که می‌فرماید: «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ»^۱ و در دین بر شما سختی قرار نداده است».

برخی از آنان که قانون‌دان بودند، پرسیدند: لا ضرر ولا حرج چیست؟ پاسخ دادم: قواعدی است که هم در قرآن کریم و هم در روایات آمده است و تمام فرقه‌های مسلمانان در تمام منابع تفسیری و حدیثی خود، آن را آورده‌اند، و بر آن اتفاق نظر دارند

۱. سوره حج، آیه ۷۸.

و این قواعد نه فقط به عبادات، بلکه به معاملات، امور حکومتی، حاکمان، ملت‌ها و سایر احکام نیز مرتبط است.

باید برای این قواعد بیشتر تبلیغ شود. متأسفانه در قانون اساسی و قانون عمومی کشورهای اسلامی این قواعد قرآنی و اسلامی دیده نمی‌شود، در حالی که صدها کتاب فقهی و اصولی به دست علما نگاشته شده است که به این قواعد پرداخته‌اند. برای ما که کشورهای غیر اسلامی را به عمل و قانونی کردن این قواعد دعوت می‌کنیم بسیار دردمندانه است که در کشورهای اسلامی اثری از آن نمی‌بینیم.

بدانیم که قانون برای رفاه جامعه بشری وضع شده است، نه این‌که بشر برای قانون خلق شده باشد و این قواعد لا ضرر و لا حرج برای رفاه بشر است. در کشورهای غیر اسلامی اگر یک ماده قانونی بر ضد مردم و چونان مشت آهنین با آنان رفتار کند باید لغو شود. در اسلام چنین چیزی نیست که قانون برای سرکوب مردم وضع شده باشد و چونان پتک بر سر آنان کوفته شود.

به تمام معنا باعث شرمساری است اگر قوانین و احکام اسلام در

کشورهای اسلامی مورد توجه نباشد و به آن عمل نشود، ولی از غیر مسلمانان بخواهیم به آن عمل کنند. به هر حال کسانی که در کشورهای غربی و غیر اسلامی زندگی می‌کنند، آنان را به عمل به احکام و قوانین حیات‌بخش اسلام فراخوانند. ماه محرم و صفر فرصت خوبی است و می‌توان با استفاده همه جانبه و بهینه از آن، این هدف مقدس را تحقق بخشید و جهانیان را با الگوی والا و سربلند حکومت پیامبر ﷺ و امیرمؤمنان ﷺ آشنا کرد و با عملی کردن آن جهانیان را به آن فرا خواند. امام حسین ﷺ این دروازه را گشودند، پس مبدا فرصت موجود را از دست بدهیم و هرکس در توان خود کاری نکرده باشد. اگر کسی راه و روش تبلیغ را نداند، به گفته فقیهان فرا گرفتن آن واجب کفایی است. لذا احکام و آموزش را باید فرا گرفت و منتقل کرد.

شکی نیست که دولت‌ها و حکومت‌های اسلامی و مسلمانان در این قضیه مسئولیت سنگینی دارند؛ چراکه اختیارات فراوان دارند و قدرت عملشان بیشتر است و از تمام امکانات مادی و معنوی برخوردارند.

علما که توان تحقیق و ارائه معلومات و دانش را دارند، مسئولیت‌شان نیز سنگین‌تر است، اما به فرموده رسول الله ﷺ همگان و هر کس به سهم و بر اساس توانمندی خود مسئولیم؛ چنان‌که فرموده‌اند: «کَلِمَکُمْ رَاعٍ وَکَلِمَکُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِیَّتِهِ»؛ همگی تان سرپرستانید و همگی تان نسبت به زیردستان خود مسئولید».

دعوت جهان به حکومت علوی

قرآن کریم در موارد متعددی عبارت «الْبَلَاغُ الْمُبِينُ»؛ تبلیغ روشن و ابهام‌زدا» آورده است. این فراتر از دعوت و تبلیغ است، بلکه به گونه‌ای از تبلیغ امر می‌کند که حجت را بر همگان تمام کند و مخاطبان آگاهی یابند تا در قیامت عذر ندانستن و نشنیدن را نداشته باشند و به فرموده قرآن کریم: «لِّئَلَّا یَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ»^۱ تا برای مردم پس از [فرستادن] پیامبران در مقابل خدا

۱. سوره نساء، آیه ۱۶۵.

[بهمانه و] حجتی نباشد» و می‌فرماید: «قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ»^۱ بگو: برهان رسا ویژه خداست».

باید در تبلیغ به گونه‌ای عمل کرد که جامعه به باور برسد و در این راه صرف گفتن کارساز نیست و البته اگر مردم به باور برسند و عمل نکنند، در قیامت بهمانه و عذری از آن‌ها پذیرفته نخواهد شد و کسی مسئول ندانستن آنان نیست.

اگر امروزه شاهدیم که فساد و گمراهی جهان را گرفته است نتیجه وجود هزارها و ده‌ها هزار شبکه ماهواره‌ای است؛ از این‌رو حسینی‌ها، علوی‌ها، محمدی‌ها، فاطمی‌ها و صاحب‌الزمانی‌ها باید حقایق را به جهانیان برسانند. توجه داشته باشیم که امام حسین علیه السلام برای تبلیغ اسلام ناب محمدی و علوی شهید شدند و برای تبلیغ رسالت نیاز به مبلغ داشتند و آن مبلغان کسی نبودند جز عقیده‌های خاندان عصمت و طهارت، یعنی دختران پیامبر. اینان به اسارت رفتند، از دشمن کتک خوردند، گرسنه ماندند و مورد ستم قرار گرفتند تا مقداری از «الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» تحقق یابد.

۱. سوره انعام، آیه ۱۴۹.

غفلت نکنیم

در روزگار ما چنین مشکلاتی وجود ندارد و همگان در این زمینه مسئولیت داریم. امروز که فرصت هست باید کاری کنیم که در روز قیامت بهانه‌های زحمت و حرج و سختی کار خریدار ندارد و هیچ توجهی به آن نمی‌شود. به هر حال زحمت و حرج و سختی در تمام کارها وجود دارد و فقط در مواردی استثنا شده است.

یکی از مراجع گذشته در عراق بودند که من بارها با ایشان دیدار کرده بودم. ایشان در رساله عملیه خود «امر به معروف و نهی از منکر را مشروط به منتفی بودن ضرر» ذکر کرده بودند. انتفاء ضرر مربوط به فروع است و چنین امری در اصول دین موضوعیت ندارد.

شهیدان امر به معروف و نهی از منکر

در طول تاریخ، پیامبران و مصلحان را کشتند، اما اینان از وظیفه و مسئولیت خود روی برنرفتند و به پای امر به معروف و نهی از منکر ایستادند. امام حسین علیه السلام و یاران‌شان برای امر به معروف و

نهی از منکر شهید شدند. اگر اینان دست روی دست گذاشته و سکوت و بی‌تفاوتی بر می‌گزیدند کشته نمی‌شدند.

امام حسین علیه السلام نیز در راه امر به معروف و نهی از منکر شهید شدند و خود نیز فرمودند: «ارید أن آمر بالمعروف وانهی عن المنکر؛ می‌خواهم امر به معروف کنم و از منکر بازدارم».

اینجا یک پرسش خودنمایی می‌کند و آن این است که امر به معروف و نهی از منکر چه جایگاهی دارد که امام حسین علیه السلام و فرزندان و برادران و یارانش در راه عملی کردن آن کشته می‌شوند؟! توجه داشته باشیم که امام حسین علیه السلام در جهان هم‌تا نداشتند و این عظمت امر به معروف و نهی از منکر را نشان می‌دهد.

آری، وقتی که مسأله اصول دین و برپایی و استواری اسلام در میان باشد باید تا شهادت و فدا شدن در راه دین پیش رفت. موضوع تبلیغ نیز نباید مورد غفلت قرار گیرد و هرکس در حدّ توان خود باید در این راه و برپایی این فریضه الهی بکوشد و از هیچ تلاشی فروگذار نکند.

دوم، مسأله شعائر مقدس امام حسین علیه السلام است که ماه محرم و ماه صفر بهار آن است.

امام زین العابدین علیه السلام عاشورا و همه ستم‌ها و تنگناهای آن را با تمام وجود لمس کردند و سختی‌های اسارت تا شام و در شهر شام را تحمل کردند؛ چراکه این موارد، از جمله خطبه مشهور وی در شام و در مجلس طاغوت زمان یزید بن معاویه، مقدمه وجود بود که باید در آن جا و موقعیت مطرح می‌کردند. مطرح کردن شعائر مقدس امام حسین علیه السلام نه به گفته من که به حکم وظیفه و شرع همگانی است و باید مطرح شود و در همه جای این جهان گسترش بیابد و البته تمام اشکال آن مدنظر و بایسته مطرح شدن است.

در نیم قرن اخیر کشورهای اسلامی دچار آشفتگی و نابسامانی سیاسی داخلی شده‌اند و در نتیجه میلیون‌ها مسلمان، به‌ویژه شیعیان، کشور و سرزمین خود را رها کرده‌اند و در کشورهای غیر اسلامی اقامت گزیده‌اند. به لطف خدا اینان موفق شده‌اند در کشورهای محل سکونت خود حسینی، مسجد، مؤسسه‌های دینی و خیریه‌هایی تأسیس کرده و از این رهگذر به قضیه و شعائر مقدس حضرت سیدالشهداء علیه السلام خدمت و دامنه آن را روز

به روز گسترده و گسترده‌تر کنند. این روش باید با جدیت دنبال شود و در شهر و روستا بایسته است که مؤسسه‌های مشابهی احداث شود.

مخاطبان حضرات معصومین علیهم السلام

قرآن کریم، پیامبر مکرم اسلام، امیرمؤمنان، امام حسین، دیگر امامان معصوم علیهم السلام و حضرت ولی عصر علیه السلام در آیات، پیام‌ها و خطبه‌های خود با عنوان «ناس» همه مردم را مورد خطاب قرار داده‌اند و گروه یا دسته خاصی را مدنظر نداشته‌اند. به عنوان مثال، قرآن کریم در چندین آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» آورده است. امیرمؤمنان علیه السلام نیز در موارد بسیاری در خطبه‌ها و نامه‌های خود «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» به کار برده‌اند و سایر معصومین علیهم السلام هم همین‌گونه عمل کرده‌اند. هدف فعالیت‌ها تمام مردم هستند و شعائر مقدس امام حسین علیه السلام باید در تمامی دنیا گسترش یابد تا همگان با اهداف والای اهل بیت عصمت و طهارت و امام حسین علیه السلام آشنا شوند. این، واجب کفایی و وظیفه و یکی از مقدمات وجود برای گرایش مردم به اسلام و شعائر مقدس حسینی است.

البته در این مسیر مشکلات و حرف و حدیث وجود دارد که اختصاص به زمان ما ندارد، بلکه در روزگار امام حسین (ع) و دیگر امامان معصوم (ع) و در زمان غیبت صغری نیز وضع همین گونه بوده است. حضرت زینب (ع) در روز یازدهم محرم خطاب به امام زین العابدین (ع) فرمودند: «مالي أراك تجود بنفسك؛ تو را چه می شود؟ می بینم گویی قالب تهی می کنی».

آن گاه حضرت زینب (ع) روایتی از رسول خدا (ص) نقل کردند که فرموده اند: «وليجتهدن أئمة الكفر وأشياع الضلالة في طمسه، فلا يزداد إلا علواً وأمره إلا ظهوراً؛ و همانا پیشوایان کفر و پیروان گمراهی برای نابودی و محو آن، آنچه در توان دارند به کار می بندند اما [تلاش آنان به جایی نرسیده] و پیوسته اثر این روز و این سرزمین آشکارتر و امر آن بلندی و بلندی بیشتر خواهد گرفت».

این روایت در کتاب شریف کامل الزیارات آمده است. پرسش این است که چرا رسول الله (ص) لام قسم بر سر «يجتهدن» آورده اند. این برای تأکید در وقوع و تحقق قضیه است و اگر جز این می بود نیازی به قسم نداشت؛ چراکه غیر مسلمانان و کفار

رسالت حضرتش را قبول نداشتند تا سخنان ایشان را بپذیرند و مسلمانان نیز به دلیل اعتماد و اعتقاد کامل به پیامبر (ص) به قسم نیاز نداشتند. مسلم این است که لام قسم در این بیان تأکید را می رساند و به دلیل اهمیتش مقتضی قسم است؛ لذا هر مقدار که دشمنان و مخالفان کارشکنی می کنند، همچنان بالندگی می گیرد.

جان سخن، شهادت و مظلومیت امام حسین (ع) باید به وسیله شعائر حسینی جهانی شود و قدری هم این حالت وجود دارد، اما هنوز جا دارد که در جهان گسترش یابد.

به یاد دارم که حدود ۵۰ - ۶۰ سال قبل شعائر حسینی برگزار می شد، اما این گونه گسترده نبود و مثلاً در کشورهای غربی آن قدر کم بود که نمود نداشت. البته امروزه در جهان این شعائر برگزار می شود، ولی بسیار اندک است که باید دامنه آن را گسترده تر و با بایسته ها فاصله را کمتر کرد.

استفاده از فناوری نوین

برای رساندن اهداف مقدس امام حسین (ع) و خاندان عصمت و طهارت (ع) به جهانیان، باید از فناوری نوین، یعنی رسانه های

شنیداری و دیداری استفاده کرد. امروز از این ابزار در قالب شبکه‌های ماهواره‌ای به نام اسلام بر ضد اسلام ناب محمدی و علوی و دستگاه حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) تبلیغ می‌شود. یکی از فعالان و مدیران شبکه‌های ماهواره‌ای در سال گذشته برایم نقل کرد که حدود ۲۳۰۰۰ شبکه فعال ماهواره‌ای وجود دارد. حال باید دید چند شبکه از این تعداد برای نشر فرهنگ و اهداف امام حسین (علیه السلام) فعالیت دارند و اسلام مبتنی بر «سیره جدی و اَبی‌علی بن اَبی‌طالب» را ترویج می‌کنند.

روشن باشد که مراد از اسلام، اسلام حقیقی است نه اسلام اسمی و عنوانی. وانگهی تبلیغات اسمی و عنوانی تهی از ماهیت و حقیقت، از صدر اسلام ترویج می‌شده است. به عنوان مثال در روزگار معاویه و یزید و امثال آنها اسلامی مسخ شده ارائه می‌دادند و بر مردم تحمیل می‌کردند و واقعیت اسلام را چنان که هست از مردم پنهان می‌داشتند. آنها با دستاویز قراردادن سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله) امام حسین (علیه السلام) را شهید کردند، به این ترتیب که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کردند که فرموده‌اند: «هرکس بر ضد دین

خروج کرد او را بکشید» سپس نسبت خارجی بودن به امام حسین (علیه السلام) دادند و او را کشتند، آن گاه گفتند: «قتل بسیف جدّه؛ با شمشیر جدش کشته شد».

در کربلا در روز عاشورا عمر بن سعد از دین و اسلام استفاده ابزاری کرد و به سپاهیان خود فرمان داد: «یا خیل الله ارکبی و دوسی صدر الحسین؛ ای سواران (سپاهیان) خدا، سوار شوید و سینه حسین را لگدکوب کنید». بدین ترتیب با بازی کردن با الفاظ، اسلام مجسم را کشتند، «سپاه خدا!!!!».

همتی باید

حال که امکانات در دسترس همگان هست و چندان محدودیتی ندارد، جوانان غیرتمند شیعه جنبشی جهانی برای تبلیغ شعائر مقدس امام حسین (علیه السلام) بیافرینند. اگر حرکت و اراده برای تحقق این هدف وجود داشته باشد قطعاً خدای سبحان نیز یاری خواهد کرد.

مرحوم میرزای شیرازی قدس، ۱۳۰ سال قبل با یک فتوا انگلیسی‌های اشغالگر را از ایران بیرون راندند و مرحوم میرزا

محمد تقی شیرازی رحمته الله علیه در یکصد سال قبل نیز با یک فتوا اشغالگران انگلیسی را از عراق اخراج کردند. در آن روزگار دولت انگلیس با پشتوانه جمعیت یک میلیارد نفری کشور استعمار زده چین و هندوستان بر ضد جمعیت ده میلیون نفری ایران و پنج میلیون نفری عراق لشکرکشی کرد و ایران را مورد حمله فرهنگی قرار داد و عراق را با حمله نظامی به اشغال درآورد. انگلیسی‌ها با پوشش تجارت تنباکو وارد ایران شدند و کار فرهنگی خود را در آن‌جا آغاز کردند. نوشته‌اند که در آن زمان اشغالگران انگلیسی در شهر و روستاهای ایران خانه فساد و روسپی خانه به راه انداختند و تبلیغ بر ضد اسلام را آغاز کردند، عوامل تهاجمی انگلیسی چهارصد هزار نفر بودند که فقط در صدد کسب سلطه فرهنگی بر مردم بودند.

در آن هنگام مرحوم میرزای شیرازی با صدور فتوایی مبنی بر تحریم تنباکو زمینه اخراج انگلیسی‌ها را از ایران فراهم کردند و در نتیجه اشغالگران که املاک و مستغلات فراوانی را به تصرف درآورده بودند، از ایران رفتند. در ایران جنگ و لشکرکشی

نظامی صورت نگرفت، اما معترضان و مؤمنان زندانی و عده‌ای در تظاهرات کشته شدند.

در عراق وضعیت متفاوت بود؛ چراکه انگلیسی‌ها به آن‌جا حمله نظامی کردند. میرزا محمد تقی شیرازی با یک فتوا انقلاب ۱۹۲۰ میلادی مردم عراق را بر ضد اشغالگران سامان دادند و با توجه به بازداشت و اعدام هزاران تن از ملت عراق، این ملت به رهبری و هدایت مرجعیت توانست سرزمین عراق را از لوث وجود متجاوزان پاک کند. در آن ایام متجاوزان یک نفر را در مجاورت خانه آیت الله سید محمد کاظم یزدی اعدام کردند که فتنه بزرگ پدید آمد، اما مرجعیت شیعه با قدرت و پایداری خود شوکت انگلیس را در عراق درهم شکست.

در سال ۱۲۹۱ق امیرزا سید محمد حسن شیرازی وارد سامرا شد. در آن زمان غیر از خانواده میرزای شیرازی هیچ خانواده شیعی در سامرا زندگی نمی‌کرد. بعد از ۲۱ سال، یعنی در سال ۱۳۱۲ق میرزای شیرازی مرحوم شدند و میرزا محمد تقی شیرازی به سامرا رفتند و به جای میرزای شیرازی زعامت و

رهبری مسلمانان را بر عهده گرفتند و به مدت ۲۳ سال تا زمان انقلاب مردم عراق بر ضد اشغالگران در سامرا ماندند. در تاریخ معاصر عراق آمده است که ایشان از زمان حضورشان در سامرا مجالس و شعائر حسینی را برگزار می‌کردند.

نقل کرده‌اند که میرزای شیرازی بزرگ در ابتدای ورود به سامرا پول نداشتند؛ لذا برای اقامه شعائر حسینی پول قرض می‌گرفتند. دیگر بزرگان نیز همین رویه را در پیش گرفته بودند. قرض گرفتن به خودی خود قدرت است و کارگشایی می‌کند؛ چرا مردم برای تمام امور مادی و دنیایی تن به قرض و وام می‌دهند، اما در قضیه حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) و برگزاری شعائر مقدس آن حضرت، بحث «لا ضرر» و «لا حرج» را پیش می‌کشند؟ این مورد مشمول «لا ضرر» و «لا حرج» نمی‌شود. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) وقتی که از دنیا رفتند بدهکاری داشتند.

دو تن از علمای بزرگ شیعه، یعنی حاج آقا حسین بروجرودی و سید ابوالحسن اصفهانی وقتی از دنیا رفتند بدهکار بودند. از نماینده آقای بروجرودی در کویت و نماینده آقای اصفهانی در

کربلا شنیدم که این دو بزرگوار بدهکار از دنیا رفتند. نماینده مرحوم آسید ابوالحسن می‌گفت وقتی ایشان فوت کردند ششصد هزار لیره طلا (سه هزار کیلو طلا) بدهی داشتند.

یکی از سالخوردگان همین محل به من گفت که در روزگار مرحوم آقای بروجرودی یک گوسفند به بیست و پنج ریال فروختم. همان زمان یکی از وکلای مرحوم آقای بروجرودی نزد من آمد و برای دادن شهریه طلاب سیصد هزار تومان پول قرض برای آن بزرگوار خواست. من مبلغ یادشده را از افراد وام گرفتم و برای ایشان فرستادم.

اگر میزان قیمت یک گوسفند ۲۵ ریال باشد، قطعاً سیصد هزار تومان بودجه هنگفتی خواهد بود. آن بزرگان فقط برای نیاز حوزه‌ها و مردم پول قرض می‌گرفتند و مرحوم اصفهانی تا آخرین روز زندگی خود مستأجر بودند.

سیره مؤمنان بر این پایه استوار شده و این در واقع سیره پاک معصومین (علیهم السلام) است. در امور شعائر حسینی، احداث حسینیه و... اگر مال و پول نباشد، نباید درجا زد، بلکه باید با قرض گرفتن پول، دست به کار شد و کار را به پیش برد.

اولویت اقامه شعائر حسینی

شعائر مقدس امام حسین (علیه السلام) نباید مورد بی توجهی و بی مهری قرار گیرد. بسیار دیده‌اید و شنیده‌اید و دیده‌ایم و شنیده‌ایم که افراد مؤمن و با اخلاص، خانه، محل کسب و کار و سایر نیازمندی‌های خود را فروخته و برای اقامه شعائر حسینی هزینه کرده‌اند. شخصی به من گفت پولی پس انداز کرده بود که هزینه ازدواج پسرش کند. او می‌گفت که به پسرم گفتم این پس انداز را اگر هزینه برگزاری شعائر حسینی کنم، ازدواج تو به تأخیر خواهد افتاد، ولی اگر بخواهی تو را سر و سامان می‌دهم.

پسر من گفت که فعلاً کار شعائر امام حسین (علیه السلام) مقدم است.

به هر حال قرض گرفتن یکی از راه‌هاست که نباید مورد غفلت قرار گیرد؛ لذا باید در مقام قرض گرفتن و هزینه شعائر کردن و باز پس دادن آن برآیید. یکی از علمای گذشته به من می‌گفت: بیش از یکصد مؤسسه و مرکز علمی و خیریه‌ای ساختم که فقط پول دو تایی آن نقد و آماده بود و باقی آن‌ها با قرض و وام درست شد. بعدها با مطرح کردن بدهی‌های هزینه

شده در ساخت این مؤسسه‌ها با اهل خیر و متدینان بدهی‌ها تأمین و تأدیه شد.

بایدها و نبایدها

مهم آن است که شعائر مقدس امام حسین (علیه السلام) با تمام اشکال و گونه‌هایش همگانی و فراگیر شود و این یک مقدمه وجود برای تبلیغ اسلام است؛ لذا هر فردی در حدی که کوتاهی نکرده باشد باید در این راه فعالیت داشته باشد و در صورت لزوم قرض کند. تشویق هم در این مسأله مؤثر و کارساز است تا خواسته امام حسین (علیه السلام) تحقق یابد و اتمام حجت بشود و آنچه را آن روز مهلت محقق شدنش را نیافتند به منصفه ظهور برسانند، آن‌جا که فرمودند: «أسیر بسيرة جدي وأبي علي بن أبي طالب».

تاریخ و عملکرد، که همان سیره آن بزرگوار است باید روزی در سرزمین اسلامی، نه در سرزمینی که حضرتش فرمودند: «هذا ليس بأرضنا؛ این سرزمین ما نیست» حاکم و جاری شود. امید است که همگان برای تحول و اصلاحات در سرزمین‌های اسلامی و غیر اسلامی همت کنند، تغییری که حاصل آن، حاکم

شدن قانون‌های انسانی باشد و در جایی یک زندانی سیاسی، اعدامی سیاسی و تبعیدی سیاسی وجود نداشته باشد. وانگهی مردم در استفاده از زمین برای نیازهای خود بر اساس این سخن امیرمؤمنان علیه السلام که فرمودند: «الأرض لله وللمن عمرها؛ زمین از آن خداست و کسی که آن را آباد کند» آزاد باشند. همه باید بی‌دریغ در راه گستراندن همه‌جانبه شعائر مقدس امام حسین علیه السلام کوشا باشیم. توفیق همگان را در این راه از خدای متعال خواستارم.

وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین

فهرست

ماه اندوه و هدایت	۵
آموزه‌ای از زیارت امام حسین علیه السلام	۶
عنایتِ راهیافتگی	۷
حضرت سیدالشهدا علیه السلام میزان اعمال	۹
ویژگی امام حسین علیه السلام	۱۰
فرصتِ پیش رو	۱۱
استمرار مسئولیت‌ها	۱۵
نقص در قانون	۲۰
دعوت جهان به حکومت علوی	۲۳
غفلت نکنیم	۲۵
شهیدان امر به معروف و نهی از منکر	۲۵
مخاطبان حضرات معصومین علیهم السلام	۲۸
استفاده از فناوری نوین	۳۰
همتی باید	۳۲
اولویت اقامه شعائر حسینی	۳۷
بایدها و نبایدها	۳۸